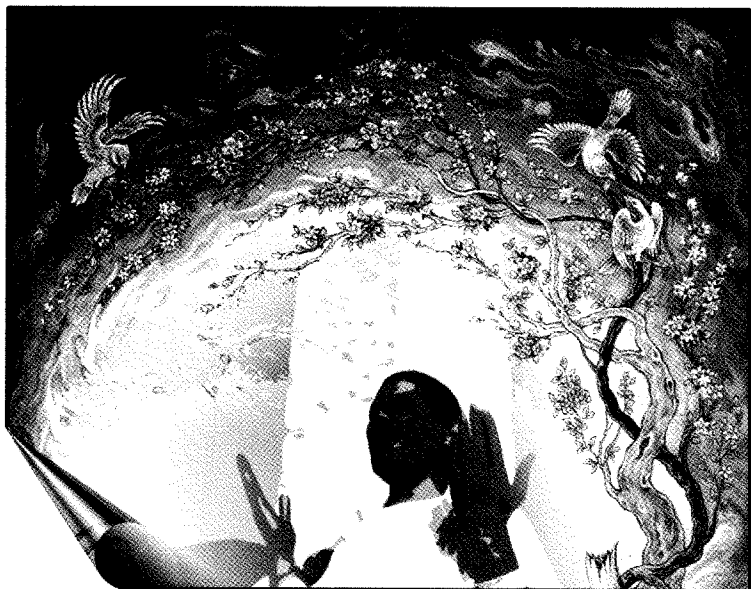


خاطرات



هجرت از وادی خود به خدا



علی دارابی

تمامی افعال دینی دارای جوهر و ماهیت‌اند که حقیقت حکم شرعی را تشکیل می‌دهند. رفتارهای عینی، خود به خود ارتباطی با مقوله ارزش‌ها ندارند، بلکه این روح حاکم بر عمل و اندیشه‌ها و انگیزه‌های انسان است که به رفتار و اعمال او معنی و مفهوم می‌بخشد.

انسان‌ها در طول عمر خود بارها و بارها به سیر و سفر می‌روند، اما این سیرها، سیر جغرافیایی و مادی است و گذار از قطعه‌ای از زمین به سرزمین دیگر است. گونه‌ای دیگر از هجرت‌ها وجود دارند که انتقال و گذار مادی و فیزیکی تنها کالبد و جسم آن‌ها را پدید می‌آورد، ولی در بطن و متن آن، مسافر نقشه جغرافیای دیگری را پیش رو دارد؛ نقشه‌ای که در آن خبری از مرزهای سیاسی، دریاها، راه‌ها و کوه‌ها نیست؛ بلکه نقشه‌ای است که در آن مراحل و منازل سیر و سلوک «معنوی» انسان به سوی ابدیت و کمال مطلق ترسیم شده است. سیری از «خود» آغاز و به «خدا» پایان می‌یابد. جالب این‌که برخلاف «هجرت مادی»، هرکسی اهل «هجرت معنوی» نیست. ما به سوی خانه خدا می‌رویم؛ جسممان با پرنده‌ای فلزی و روحمان با پرنده دل.

سفری به سوی نور مطلق و هستی محض؛ سفری که رمز و راز عبورش چیزی



جز از خود گسستن و به دوست پیوستن نیست:

میان عاشق و معشوق هیچ حائل نیست

تو خود حجاب خودی، حافظ از میان برخیز

خدایا! یاری مان کن تا از بند اسارت در نفسانیت خود رها شویم و در آسمان نامتناهی رحمت تو به پرواز درآییم. خدایا! نشانی خانهات را می دانیم، اما «راه» کافی نیست؛ به «راهنما» نیز محتاجیم. این طریق را بدون هدایت و عنایت تو چگونه طی کنیم؟!

طی این مرحله بی همراهی خضر مکن

ظلمات است بترس از خطر گمراهی

نه بال پریدن داریم و نه روش پریدن می دانیم. مگر مقتضای لطف بی کرانه تو دستگیری از بندگانت نیست؟! پس ما را به طریق خود هدایت کن و در زمره بندگان حقیقی و مهاجران به سوی آستانهات قرار ده. اکنون عزم کرده ام که از روزمرگی ها و عادات سخیف دنیوی هجرت نموده، زنجیر تعلقات و دلبستگی های خویش را از لذایذ و زینت های حقیر دنیا پاره کنم و به دوران اسارت خود پایان دهم. و این سفر، مقدمه ای است برای این «آزادی معنوی». حج، حدیث «آزادی» و «بندگی» است. «آزادی» از آن چه که دون شأن انسانیت انسان و روح الهی اوست و «بندگی» خداوندی که هرچه هست اوست و هرچه داریم از نعمات و الطاف کریمانه او است.

تا هنگامی که در قفس آهنین تن اسیریم، دیدگانمان به روی حقایق هستی بسته است و از عالم به جز ظاهری فریبنده درک نمی کنیم. باید از «ماده» گذر کرد و به «معنا» رسید تا حیاطمان رنگ خدا بپذیرد و دیدگانمان نور معنویت بیابد. «زندگی انسانی» در فعالیت های زیستی انسان، همچون تپش قلب و جریان خون و سلسله اعصاب نیست؛ زندگی حقیقت دیگری است که تنها در سایه «عبودیت» حاصل می شود. قرآن کریم می فرماید: «ما پیامبر را به سوی شما فرستادیم تا شما را زنده گرداند»

پس معلوم می‌شود که حیاتی فراتر از حیات مادی نیز در میان است که از رهگذر وحی و نبوت حاصل می‌گردد. در نخستین گام، نیت خود را برای خدا خالص می‌کنم و هدف غایی.

خویش را رضای حق تعالی و قرب به سوی او قرار می‌دهم و آرزو دارم که خداوند نیز یاری خود را از من دریغ نکند که: «وَ الَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَهُمْ سُبُلَنَا...»^۱

حج از مهم‌ترین عباداتی است که در اسلام تشریح شده و دارای آثار و برکات فراوان و بی‌شماری است. امام صادق (علیه السلام) فرمود: بدان که خداوند عالم وجوب حج را در میان سایر عمل‌ها به ذات شریف خود نسبت داد و فرمود: «وَ لِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا...»^۱

امام علی (علیه السلام) در وصیت‌نامه خود به امام حسن و امام حسین (علیهم السلام) می‌فرماید: «خدا را، خدا را، درباره خانه خدا، تا هستی آن را خالی نگذارید؛ زیرا اگر کعبه خلوت شوت مهلت داده نمی‌شوید»^۲.

علی (علیه السلام) در تشریح فلسفه حج می‌فرماید:

«خدا حج خانه محترم خود را بر شما واجب کرد، همان خانه‌ای که آن را قبله‌گاه انسان‌ها قرار داده که چونان تشنگان به سوی آن رو می‌آورند و همانند کبوتران به آن پناه می‌برند. خدای سبحان کعبه را مظهر تواضع بندگان در برابر عظمت خویش و نشانه اعتراف آنان به بزرگی و قدرت خود قرار داد و در میان انسان‌ها، شنوندگانی را برگزید که دعوت او را برای حج اجابت کنند و سخن او را تصدیق نمایند و پای بر جایگاه پیامبران الهی نهند، همانند فرشتگانی که بر گرد عرش الهی طواف می‌کنند و سوده‌های فراوان در این عبادتگاه و محل تجارت زائران به دست آورند و به سوی وعده‌گاه آمرزش الهی بشتابند.

خدای سبحان، کعبه را برای اسلام، نشانه گویا و برای پناهندگان، خانه امن و امان داد. ادای حق آن را واجب و حج بیت‌الله الحرام را واجب شمرد و بر همه شما انسان‌ها مقرر داشت که به زیارت آن بروید»^۳

با هدف اشاعه و گسترش فرهنگ حج و نیز مشارکت در توسعه ادبیات زیارت



و ثبت و ضبط وقایع و رخدادها و انتقال آموزه‌هایی به مشتاقان کوی دوست خلاصه و چکیده‌ای از سفرنامه حج تمتع سال ۱۳۸۲ را تقدیم خوانندگان گرامی می‌نمایم. این سفرنامه به صورت خاطرات روزانه تنظیم شده است. امید که مورد قبول قرار گیرد.

یکشنبه ۸۲/۱۰/۲۱

پس از نشستن در هواپیما، دعای سفر را خواندم. با حرکت هواپیما و بلند شدن آن از زمین، فکرم را از خانواده که تا چند لحظه پیش به خود مشغول کرده بود برگرفتم و معطوف به مقصد کردم.

امروز آخرین روز اقامت ما در تهران است و دیروز آخرین جلسه کاروان بود. اعضای کاروان ما ۱۴۰ نفر هستند. کاروان شماره ۱۷۷۲۸، مدیر کاروان محمد بایگان که بالغ بر ۱۸ بار مشرف به حج شده است. روحانی کاروان حجة الاسلام علوی حسینی که ۱۶ بار مشرف شده است و روحانی معین، حجة الاسلام جمال‌الدین سروش که اولین سفر حج تمتع اوست. تمام افکارم معطوف به این سفر است و چند روزی است که در پی مقدمات خداحافظی؛ از جمله حلالیت طلبیدن^۴ از اطرافیان هستم. پرواز ساعت ۲۳/۵ دقیقه و به مقصد مدینه خواهد بود.

دوشنبه: ۸۲/۱۰/۲۲

پس از سه ساعت و نیم پرواز، هواپیمایی که بر آن سوار بودیم، ساعت ۲/۳۰ به وقت محلی عربستان، در فرودگاه محمد بن عبدالعزیز شهر مدینه به زمین نشست. پس از کنترل گذرنامه‌ها و تکمیل فرم‌هایی که به حجاج داده شده بود، به سوی هتل محل اقامت؛ یعنی هتل ماریوت که از سلسله هتل‌های زنجیره‌ای فرانسوی است، حرکت کردیم. هتل ماریوت در تقاطع ملک فیصل و طریق عمر بن الخطاب واقع شده و دارای ۱۰ طبقه مسکونی، ۵ طبقه آشپزخانه، زیرزمین و تأسیسات است. مسافت هتل تا حرم به صورت پیاده ۱۰ دقیقه است. پس از مشخص شدن محل

چند ساعت قبل از پرواز به اتفاق خانواده عازم فرودگاه شدیم. گذشتن از زیر قرآنی که در دست پسر (حامد) بود و پاشیدن آب به پشت سرم که از جمله سنت‌های معمول ایرانیان برای مسافران است، انجام شد. تشریفات پرواز طی شد و

صحنه‌ جالبی توجهم را جلب کرد. در بین‌الحرمین (میان حرم نبوی و بقیع) گروهی از زائران مالزیایی با لباس متحدالشکل سبز رنگ حضور داشتند که روحانی‌شان برایشان سخنرانی می‌کرد. او در سخنان خود از ائمه علیهم‌السلام نام می‌برد و از آنان تجلیل می‌کرد. در این حال زائری ایرانی که احساس خوشحالی به او دست داده بود، به سمت مبلغ مالیزیایی رفت و او را در آغوش گرفت و بوسید و مالیزیایی‌های حاضر نیز ابراز احساسات کردند.

در آستانه ورودی بقیع، زیارت ائمه و در کنار قبور مطهر امامان معصوم علیهم‌السلام زیارت‌نامه خواندم. به تازگی حفاظی نرده‌ای جلوی قبور ائمه گذاشته‌اند تا میان زائران و قبور مطهر حایل شود؛ قبوری که هشتاد سال پیش، گنبد و بارگاه داشت، اکنون توسط وهابیان^۷ تخریب شده است. سر و صدای زیاد مأموران، مزاحمت‌هایی را برای زائران بقیع ایجاد کرده است.

پس از خواندن نماز ظهر و عصر، فرصتی پیش آمد تا به نیابت هر یک از بستگان، دو رکعت نماز بخوانم. همچنین موفق شدم جزء دوم قرآن را، که از دیروز آغاز کرده‌ام، تلاوت کنم. جلسات آموزش احکام به وسیله حجت‌الاسلام سروش

اقامت به اتفاق اخوی و همسرش که در این سفر در یک کاروان بودیم، البته چند نفر از بستگان نیز در همین کاروان همراه ما بودند، به حرم رفتیم. نماز صبح را همان‌جا خواندیم. زیارت پیامبر گرامی اسلام و حضرت زهرا علیها‌السلام را انجام دادیم و برای زیارت ائمه بزرگوار عازم بقیع^۵ شریف شدیم. حج فرصتی است تا انسان رابطه خود را از تمام متعلقاتش قطع و تماماً متوجه حضورش در آن ساحت مقدس سازد. ظهر عازم حرم برای اقامه نماز جماعت شدیم. از امروز قرار بر این است میان ساعت ۴ تا ۵ بعد از ظهر جلسه سخنرانی، مناسک و احکام برگزار شود.

در جلسه امروز، که دوشنبه بود، ذکر قاضی الحاجات^۶ را صد مرتبه گفتم و به دیگر همراهان نیز سفارش کردم.

سه‌شنبه ۸۲/۲۰/۲۳

همراه برادرم عازم مسجدالنبی شدیم. ازدحام جمیعت در یک ساعت مانده به اذان صبح به قدری بود که جا به سختی یافت می‌شد. پس از نماز صبح، به زیارت قبر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و بانوی بزرگ اسلام، حضرت فاطمه علیها‌السلام رفتیم و پس از خواندن نماز زیارت، عازم بقیع شدم. در طی مسیر،



برای پدر و مادرم و دو رکعت برای همسر و فرزندانم خواندم.

روزنامه عرب‌نیوز را هر روز در اتاق‌ها توزیع می‌کنند. آن روز صحنه‌ای از تحصن برخی از نمایندگان دوره ششم مجلس شورای اسلامی را چاپ کرده بود. همچنین تلویزیون ایران (شبکه خبر و جام‌جم) هم در عربستان قابل دیدن است. وقتی اخبار آن روز را از طریق آن روزنامه عربی و تلویزیون خودمان دنبال می‌کردم از تصویرهایی که ممکن بود برای غیر ایرانیان درباره وضعیت ایران پیش آید، خجالت زده و شرمند می‌شدم.



برگزار می‌شود. او می‌گوید: چهار بنا قصرهای بهشتی هستند؛ مسجدالحرام، مسجدالنبی، مسجدالاقصی و مسجد کوفه. میان رکن یمانی و حجرالاسود ۷۰ تن از انبیای الهی مدفون‌اند. امیر مؤمنان، علی علیه السلام می‌فرمایند: «بهترین آب در روی زمین، آب زمزم است» زمانی که پیامبر در مدینه بودند، آب زمزم را به‌عنوان هدیه می‌پذیرفتند. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

«من هیچ‌گاه به رکن یمانی نرسیدم مگر آن‌که جبرئیل را در آن‌جا دیدم. برای کسانی که طواف می‌کنند، ۶۰ ثواب و رحمت و برای کسانی که نماز می‌خوانند ۴۰ ثواب و برای آنان که به کعبه می‌نگرند ۲۰ ثواب.»

امام صادق علیه السلام فرموده‌اند: «کسی که نگاه به کعبه کند، پیوسته یک حسنه برای او می‌نویسند و یک سیئه و گناه از پرونده‌اش پاک می‌کنند، تا آن‌گاه که چشم از کعبه بردارد.»

جلسه که به پایان رسید، عازم حرم شدیم. پس از نماز و زیارت، برادرم را به ایوان صفا و محراب تهجد حضرت زهرا علیها السلام، که پشت منزل آن بانوی بزرگ واقع شده است، بردم و برایش توضیحاتی دادم. در هر یک از مواقف، دو رکعت نماز

چهارشنبه ۸۲/۱۰/۲۴

امروز سومین روز حضورمان در مدینه منوره است. جلسات مرسوم روزانه، ساعت چهار بعد از ظهر آغاز می‌شود و حجة الاسلام علوی حسینی، روحانی کاروان، در حال تشریح مناسک حج است. بحث این روز او در باره نیت، طهارت و پاک بودن از حدث اصغر است (که لازمه آن داشتن وضو است) و حدث اکبر (که لازمه اش غسل کردن است). پاک بودن لباس احرام و بدن و ستر عورت را از جمله شرایط اولیه طواف دانست و رعایت موارد زیر را از واجبات طواف برشمرد:

اول: آغاز طواف از حجرالأسود و پایان آن در حجرالأسود.

دوم: رعایت حد فاصله میان مطاف (کعبه و مقام ابراهیم).

سوم: هفت شوط (دور) کامل.

چهارم: به طرف کعبه بودن شانه چپ.

پنجم: فاصله گرفتن از شاذروان.

ششم: داخل کردن حجر اسماعیل در

طواف.

امروزمان هم، چون روزهای گذشته، به نماز، زیارت و قرائت قرآن گذشت. شب برای آزمون حمد و سوره نزد آقای علوی، روحانی کاروان رفتیم که پس از قرائت حمد

و سوره تشویق کرده، سؤالاتی نیز در خصوص خمس و... پرسید که پاسخ دادم.

پنج‌شنبه ۸۲/۱۰/۲۵

طبق روال چند روز گذشته، نماز صبح را در حرم می‌خوانم و سپس برای زیارت به بقیع می‌روم. ازدحام جمعیت روزبه‌روز بیشتر می‌شود. تعداد زائران ترکیه، پاکستان، بنگلادش، مالزی، هندی، اندونزی، کشورهای عربی و... هر روز بیشتر می‌شود. در بقیع ده‌ها تن از صحابه^۸ پیامبر ﷺ دفن شده‌اند. فاطمه بنت اسد، مادر حضرت علی^۹ که مادر دوم پیامبر ﷺ نیز به حساب می‌آمد. او از نخستین زنانی بود که اسلام آورد. فاطمه بنت اسد در سال سوم هجرت از دنیا رفت. پیامبر ﷺ لباس خود را به تن او کرد و فرمود: بعد از ابوطالب، برای من هیچ‌کس مهربان‌تر از او نبود! همچنین فرمود: من لباسم را بر تن او کردم که از زیباترین زینت‌های بهشتی باشد.

بی‌شک زیارت قبور ائمه در بقیع و قبر ابراهیم، فرزند پیامبر اسلام ﷺ و قبور مطهر دیگری که صاحبان هرکدام از آن قبور بخشی از تاریخ پر فراز و فرود اسلام را رقم زده، خالی از لطف نیست. حضور ۹۴ هزار زائر ایرانی در مراسم حج باعث شده است



مسجد؛ یعنی مسافت میان قبر پیامبر ﷺ و منبر آن حضرت است و طول آن ۲۲ متر و عرض آن ۱۵ متر می‌باشد.

محراب تهجد از دیگر مواقع مسجدالنبی است که جایگاه نماز پیامبر ﷺ است و این محراب در جریان توسعه مسجد در زمان ولید بن عبدالملک اموی، در محل نماز پیامبر ﷺ ساخته شد. مؤذنه بلال مکانی بود که بلال بر آن اذان می‌گفت و هم‌اکنون مؤذن مسجدالنبی بر فراز آن رفته، اذان می‌گوید. مقام جبرئیل محلی است که جبرئیل امین در آنجا به حضور رسول‌الله مشرف می‌شد. خانه حضرت زهرا ﷺ که پیشتر در کنار خانه و مسجد پیامبر بود و اکنون در محدوده حرم قرار دارد، ستون‌های مسجد نبوی از دیگر مواردی بود که برای همراهان توضیحاتی در باره آن ارائه کردم.

در مسجد نبوی ستون‌هایی است که هریک نامی مخصوص دارد. هشت ستون از زمان پیامبر ﷺ هنوز باقی است که با رنگ سفید مشخص شده‌اند که عبارت‌اند از:

ستون مخلقه؛ این ستون در جای تنه درخت خرمایی بنا شده که پیامبر ﷺ به هنگام ایراد خطبه بر آن تکیه می‌کرد.

که هیچ‌گاه اطراف بقیع خلوت نباشد و همیشه دلسوختگان شیعی، پرواز وار بر گرد آن مکان مقدس در چرخش باشند.

پس از نماز مغرب و عشا، فرصتی دست داد تا برای همراهان توضیحاتی در باب مسجدالنبی ارائه کنم. مسجدالنبی که مسجد پیغمبر ﷺ است، در قسمت شرقی مدینه بنا شده و پس از مسجدالحرام، مشهورترین مسجد در تاریخ اسلام است. هنگامی که پیامبر ﷺ به مدینه رسید، در خانه ابو ایوب انصاری منزل گزید؛ جایی که شتر وی آنجا خوابید. زمین مسجدالنبی، از آن دو یتیم بود و در آنجا خرما خشک می‌کردند. پیامبر خدا ﷺ آن را به مبلغ ده دینار از ولی دو طفل خریدند و مسجد را در آن ساختند. مساحت زمین در آن روز حدود ۲۰۷۱ متر مربع بوده است. در ساختن بنای این مسجد، شخص پیامبر ﷺ شرکت داشتند.

ساخت مسجدالنبی در زمان پیامبر ﷺ هفت ماه طول کشید.^۹ در داخل مسجدالنبی صفتّه یا ایوانمانندی وجود دارد که مهاجران اسلام در آنجا به سر می‌بردند. این دسته از مسلمانان به اصحاب صفتّه شناخته می‌شوند. روضه نبوی از دیگر مواقع مسجدالنبی است که در ناحیه جنوب شرقی

ساخته، دری به درون مسجد باز کردند. در سال سوم هجرت، قبل از غروة اُحد بود که به دستور پیامبر ﷺ همه درهای خانه‌ها، به جز در خانه علیؑ به مسجد بسته شد. تعداد درهای مسجد در امتداد زمانی تغییراتی یافته است.

مشهورترین آن‌ها عبارت‌اند از:

۱. باب الرحمه
۲. باب جبرئیل.
۳. باب السلام
۴. باب النساء.

با توسعه‌های اخیر، مسجدالنبی هم‌اکنون دارای هفت در است.

این مسجد ۲۷ صحن دارد،^{۱۰} که دو صحن آن دارای ۱۲ چادر با ارتفاع ۱۴ متر است و هر چادر ۱۰ تن وزن دارد و ۹۰ تانیه طول می‌کشد که چادرها باز یا بسته شوند. و دارای ۶ ستون است که وزن هر ستون ۱۰ تن می‌باشد. پارکینگ مسجدالنبی تعداد ۴۴۴۴ ماشین را در خود جای می‌دهد و تعداد ستون‌های مسجد ۲۱۰۴ عدد می‌باشد. گنجایش مسجدالنبی هم‌اکنون بالغ بر ۷۰۰ هزار نفر و ظرفیت پشت‌بام آن بالغ بر ۹۰ هزار نفر است.

ساعت ۱۰ شب دعای کمیل در بین‌الحرمین برگزار شد. حضور زائران

روایت شده که وقتی برای آن حضرت منبری ساختند، از آن ستون ناله‌ای برخاست و به همین دلیل به آن ستون «حنانه» نیز گفته‌اند.

ستون توبه؛ آن را ستون ابولبابه نیز می‌نامند. پس از شکست بنو قریظه، ابولبابه به خاطر گناهی که مرتکب شد، مورد بی‌توجهی پیامبر ﷺ و یاران آن حضرت قرار گرفت و سرانجام خود را به ستون مسجد بست تا آن‌که آیه‌ای در پذیرفته شدن توبه او به رسول خدا ﷺ نازل گردید.

ستون محرس؛ علیؑ در کنار این ستون می‌ایستاد و از رسول خدا محافظت می‌کرد. این ستون به «استوانه علیؑ» نیز مشهور است؛ زیرا جایگاه نماز آن حضرت بوده است.

ستون وفود؛ رسول‌الله ﷺ هیأت‌های نمایندگی و سیاسی و سران قبایل را در کنار این ستون به حضور می‌پذیرفتند و با آنان دیدار می‌کردند.

ستون سریر؛ پیامبر خدا ﷺ در کنار این ستون تختی از شاخه‌های خرما می‌گذاشت و شب بر روی آن استراحت می‌کرد. زمانی که مسجدالنبی ساخته شد، سه در برای ورود و خروج مردم ساختند. برخی از اصحاب نیز در حاشیه مسجد خانه



ایرانی در این دعا و وجود هزاران پلیس سعودی در صحنه، نمایشی از قدرت شیعه در آن بلاد بود.

جمعه ۸۲/۱۰/۲۶

صبح زود طبق معمول عازم حرم شدیم، چون فرصت زیادی نداشتیم به بقیع رفتیم و پس از خواندن نماز برای صرف صبحانه و برنامه‌ریزی برای زیارت دوره عازم هتل شدیم.

مکان‌هایی که امروز رفتیم عبارت بودند از: مسجد قبا،^{۱۱} مسجد قبلتین،^{۱۲} احد^{۱۳} و مساجد سبع که در واقع همان محل وقوع جنگ احزاب و یا خندق است. مساجد هفت‌گانه‌ای که با نام مسجد علی علیه السلام، فاطمه علیها السلام، فتح و... در آن جا بود، در طرح جدید، در یک مسجد بزرگ در حال طراحی و بازسازی بود.

دو روز دیگر در مدینه هستیم و سپس به سوی مکه حرکت خواهیم کرد. محمد بایگان مدیر کاروان می‌گفت: از ۲۵ ذی‌قعدة تا ۸ ذی‌حجه مدارس مکه و مدینه تعطیل‌اند. ساکنان شهر مدینه در این ایام میزبان حجاج بلاد اسلامی هستند. برای خرید سوغاتی به مغازه‌های اطراف هتل طیبه رفتیم، در آن جا هزار

تومانی‌های ایران به‌وفور در همه مغازه‌ها مبادله می‌شد.

شنبه ۸۲/۱۰/۲۷

صبح زود عازم حرم شدیم و پس از آن، به زیارت بقیع شریف رفتیم. نیمه‌شب باران آمده و زمین نمناک بود. هر روز از کشورهای مختلف بر تعداد زائران افزوده می‌شود؛ با رنگ، نژاد و ملیت و زبان گوناگون. اما همه این‌ها به یک خدا، کعبه، قرآن و حضرت محمد صلی الله علیه و آله اعتقاد دارند و این عامل وحدت چون چتری فراگیر همه مسلمان‌ها را دربرگرفته است:

- زائران ترکیه با ۱۰۴ هزار نفر، بیشترین تعداد زائر را تشکیل می‌دهند. آنان دارای لباس‌های متحدالشکل کرم و طوسی هستند. زنانشان با پوشش کامل در حرم و دیگر اماکن حاضر می‌شوند. پرچم کشورشان را بر روی لباس‌های خود دوخته‌اند.

- افغان‌ها با شکل و شمایل خاص خود با لباس‌های افغانی، که معمولاً یک پتوی کوچک بر سر خود انداخته‌اند.

- پاکستانی‌ها نیز همین لباس و قیافه را دارند.

- چینی‌ها با لباس‌های بلند کرم،

دوشنبه ۲۹/۱۰/۸۲

امروز آخرین روز حضور ما در مدینه است. طبق معمول روزهای گذشته، صبح زود عازم حرم شدیم. جمعیت به قدری زیاد بود که نتوانستیم وارد داخل حرم شویم. در روبه روی باب جبرئیل نماز خواندیم و بعد برای وداع به بقیع رفتیم. از ساعت ۱۵ شور و همه‌های در هتل محل اقامت برپا شد. همه آماده حرکت به مسجد شجره^{۱۴} شده بودند. بسیاری از زنان چادر سفید و مردان حوله احرام که همه سفید یک دست بود، بر تن کرده بودند تا لحظاتی بعد همگی محرم شوند. کاروان ما، که از چند ساعت قبل از اذان حرکت خود را آغاز کرده بود، پس از چند توقف، در چند ایستگاه ایست و بازرسی پلیس، هنگام اذان مغرب به مسجد شجره رسیدیم.

نماز مغرب و عشا را خواندیم و تللیه^{۱۵} گفتیم. حال و هوای معنوی خاصی همه را فرا گرفته بود. برخی گریه می کردند؛ آری:

«احرام در میقات، نشانگر از بین رفتن مرزها و تشخص‌ها و داشتن‌ها و نداشتن‌هاست، چرا که لباس تشخص و تبعیض است. مرز و تفرقه است و تفاوت آن ظاهر آدم‌ها را متفاوت می‌کند، اما با

مشکی و آبی (سه رنگ) مجزا، که مرتب لباس خود را عوض می‌کردند و خیلی با نظم، در حج شرکت کرده بودند.

- آفریقایی‌ها بیشتر بلند قد، تکیده و لاغر، سیه چرده و هرچند معدودی از آن‌ها چاق و فربه هستند.

- مالزیایی‌ها آرام و صبور، منظم با قد و قواره کوتاه هستند.

- ایرانی‌ها هم با شکل و شمایل خوب و در کاروان‌های منظم در انظار ظاهر می‌شوند. بانوانشان دارای چادر مشکی به سر می‌کنند و مردانشان کت و شلوار طوسی و سرمه‌ای می‌پوشند.

هر روز زائران شهر مدینه بیشتر و بیشتر می‌شود؛ از جمله مواردی که امسال نسبت به گذشته چشمگیر است، استفاده از ماسک برای جلوگیری از سرماخوردگی و استفاده از تلفن همراه است که مزاحمی است جدید برای زیارت و عبادت.

در میان زائران، چهره‌های جوان کمتر دیده می‌شود و بیشتر پیر و سالخورده‌اند.

برخی تفاوت‌ها میان شیعه و سنی، در احکام و مناسک، گروهی از همراهان را؛ به ویژه هنگام خواندن نماز متعجب می‌ساخت، از این رو، در فرصتی که پیش آمده بود، آن تفاوت‌ها را توضیح دادم.



احرام این مرز و تبعیض از بین می‌رود. همه یک‌دست سفید می‌پوشند، آن‌هم سفیدی ساده برای مردان حتی بدون دوخت، دو تکه پارچه و برای زنان ساده، بی‌طرح، بی‌رنگ، بی‌هیچ نشانی از تجمل و زر و زیور. عبادتی که بسیاری از علما و نویسندگان به کار برده‌اند و حتی افراد عادی در هنگام محرم شدن از آن یاد کرده‌اند، تعبیر کفن‌پوش شدن با احرام بستن است؛ یعنی لباسی که در هنگام سفر به سوی خدا می‌پوشیم، در آغاز سفر به سوی خانه خدا هم می‌پوشیم. با احرام بستن در محشر انسان‌ها، فرد گم می‌شود. حتی بسیاری از آنچه زندگی برای انسان محدودیت‌ها و زرق و برق‌ها را به همراه دارد. با محرم شدن بر خود حرام می‌کنیم هرچه که ما را به یاد خودمان می‌آورد و نشانی از ما به همراه دارد، هرچه که می‌پنداشتیم در زندگی نمی‌توانیم آن را ترک و رها کنیم و هرچه یادگار دنیاست بر خود حرام می‌کنیم؛ مثل نگاه در آئینه و خیلی از روزمرگی و روزمرگی‌ها را از خودمان دور می‌کنیم، لبیک می‌گوییم؛ یعنی به ندای دعوت خدا پاسخ مثبت می‌دهیم. به سوی او، همچون براده‌های آهن، که جذب مغناطیسی قوی می‌شوند، جذب شده و حرکت می‌کنیم...

به سوی مکه می‌رویم».

فاصله مدینه تا مکه ۴۵۰ کیلومتر است. حدود ۳۰:۳ دقیقه بامداد به مکه رسیدیم.

مکه - سه‌شنبه ۳۰/۱۰/۸۲

در قرآن کریم، از مکه به نام‌های زیر یاد شده است: بکه (آل عمران: ۹۶)، ام‌القری (انعام: ۹۲، شوری: ۷۷)، بلد (بلد: ۱)، بلد امین (تین: ۳)، البلدة (نمل: ۹۱)، حرم امن (قصص: ۵۷، عنکبوت: ۶۷). مکه ام‌القری و مرکز ظهور دین اسلام است و گذشته از شرافت و قداستی که از آغاز خلقت و به‌خصوص از زمان حضرت ابراهیم علیه السلام داشت، نخستین آیه‌های قرآن کریم نیز در آن‌جا بر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرود آمد و نیز آن‌جا زادگان آن حضرت و امیر مؤمنان علیه السلام و فاطمه زهرا علیها السلام است. مکه در ارتفاع ۳۳۰ متر از سطح دریا قرار دارد و رشته‌کوه‌های متعددی آن را فرا گرفته است. هرچند این شهر از هزاران سال پیش به قداست معروف بوده اما سراسر این تاریخ جز آغاز و آخر آن به درستی روشن نیست. به فرموده قرآن کریم، نخستین کس ابراهیم بود که خانواده خود را در این سرزمین بی‌آب و علف جای داد. با ورود به مکه، دیگر زمزمه و یا فریاد لبیک‌ها قطع

به کعبه می‌ساختند، سپس در دوران خلفا از آن جلوگیری کرده و به تدریج بر مساحت مسجد افزودند؛ به شکلی که هم‌اکنون حدود یکصد و هشتاد هزار متر مربع مساحت دارد. شصت و دو در بزرگ و کوچک برای آن ساخته‌اند؛ سه در اصلی و بزرگ آن به نام‌های «باب‌العمره»، «باب‌السلام» و «باب‌ملک‌العزیز» معروف است و بر هر یک دو مناره به ارتفاع ۹۲ متر با قاعده‌ای به ابعاد ۷×۷ متر قرار دارد و بر تارک هر مناره، هلالی به ارتفاع ۵/۶ متر از برنز طلاکاری است. هفتمین مناره مسجد بر در «باب‌الصفاء» است. دو مناره بزرگ نیز که هر یک به ارتفاع ۸۹ متر است وجود دارد و بدین ترتیب، تعداد آن‌ها به نه عدد رسیده است. مسجد با وسعت فعلی گنجایش حدود ۸۲۰ هزار نمازگزار را دارد. در مسجدالحرام، پس از اقامه نماز صبح اعمال حج را به جا آوردیم. نیت، هفت بار طواف کعبه، دو رکعت نماز پشت مقام ابراهیم، هفت بار سعی صفا و مروه و تقصیر از جمله اعمالی بود که به جا آوردیم.

گاهی همراه شدن با کاروان، به دلیل ازدحام جمعیت، تقریباً غیر ممکن می‌شود. فشار جمعیت بارها و بارها طواف را با مشکل روبه‌رو می‌کرد. امروز پایم به پای

می‌شود؛ یعنی دیگر رسیده‌ایم. جالب است که کعبه در مرکز درّه‌ای واقع شده چون شهر مکه، شهری کوهستانی است، ولی کعبه در پایین‌ترین قسمت این شهر کوهستانی یعنی در وسط دره واقع شده، حتی در خود مسجدالحرام، کعبه در پایین‌ترین نقطه آن قرار گرفته و همواره عادت کرده‌ایم که در صعود و حرکت به سوی بلندی، به عظمت برسیم، به‌ویژه آنگاه که عظمت خدایی است، ولی این‌جا به عکس هرچه پایین‌تر می‌رویم و از بلندی فرود می‌آییم به خدا نزدیک‌تر می‌شویم و در مقابل کعبه، که قبله نماز روز و شب ماست و به سوی آن نماز می‌گذاریم، به سوی او می‌میریم و به سوی او دفن می‌شویم و مرگ و حیاتمان رو به اوست، حاضر می‌شویم.

پس از رسیدن به شهر مکه، به محلّ اسکانی که در خیابان ابن قیم، در عزیزیه، در نظر گرفته شده بود، رفتیم، پس از مستقر شدن در اتاقمان، وضو گرفتیم و عازم مسجدالحرام شدیم.

مسجدالحرام همان مسجد پیرامون کعبه است و قدیمی‌ترین و معروف‌ترین مسجد در تاریخ اسلام به‌شمار می‌آید. تاریخ نشان می‌دهد که پس از رحلت پیامبر گرامی ﷺ، مردم خانه‌های خود را نزدیک



شهیدان انقلاب اسلامی افتادم. آشوبی از یادها و خاطرات، ذهنم را درگیر می‌کند. اما برای آن‌که هرچه بیشتر بتوانم از فضای معنوی حج استفاده کنم، سعی می‌کنم که تمام حواس خود را متمرکز این فضا و ساحت بسازم. امشب پس از نماز عشا به بام مسجدالحرام رفتم. از بالای مسجدالحرام چشم‌انداز بسیار زیبایی است. مسجدالحرام دارای ۹ گلدسته است که همگی دوتایی و تنها یکی از آنها، که در سمت حجرالأسود است، تنها است.

حجرالاسود که در رکن شرقی است و به ارتفاع تقریبی یک و نیم متر از زمین قرار گرفته، سنگی است سیاه، مایل به سرخی و بیضی شکل، به قطر سی سانتی‌متر، که در آن، نقطه‌های قرمز دیده می‌شود و در پوششی از نقره قرار گرفته است.

چاه زمزم، که با بیست پله به زیر زمین می‌رسید، همسطح دیگر جاهای مسجدالحرام شده است و اکنون هیچ اثری از ورودی قبلی به چشم نمی‌خورد. هر یک از مکان‌ها و مقام‌های مسجدالحرام تاریخ خود را دارد. در تاریخ آمده است هنگامی که ابراهیم همسرش هاجر و اسماعیل را به مکه آورد و کنار کعبه

زائری از ترکیه خورد و مقداری از آن را کبود کرد. درد پا و رفتن به پیش دکتر بختیاری، پزشک کاروان موجب آشنایی بیشتر بین ما شد. او تخصص بی‌هوشی دارد و این دومین بار است که به‌عنوان پزشک کاروان به حج می‌آید.

او می‌گوید از سیاست خوشش می‌آید ولی به شدت از ورود به عرصه سیاست برائت می‌جوید و... دکتر بختیاری که از زاویه نگاه یک پزشک به برخی مسائل حج می‌نگرد، درخصوص وضعیت پزشکی حجاج ایرانی معتقد است که حجاج می‌بایست از مدت‌ها قبل تحت نظر پزشکان قرار گیرند و معاینات دقیقی بر روی آن‌ها انجام گیرد. کاهش و کنترل قند خون و فشار برای آن‌هایی که با این مشکلات روبه‌رو هستند، از ضروریات است و همچنین سرماخوردگی حجاج به علت خستگی بیش از حد و مستهلک شدن انرژی‌شان را رایج‌ترین بیماری در حج می‌داند.

چهارشنبه ۸۲/۱۱/۱

روز نخست بهمن ماه، فکرم بی‌اختیار به ایران کشیده می‌شود و به یاد مبارزات مردم بر ضد رژیم شاه، به رهبری حضرت امام خمینی علیه السلام در انقلاب اسلامی و کلیه

شنبه ۸۲/۱۱/۴

صبح به قبرستان ابوطالب رفتم. محوطه وسیعی است در کنار پل حجون و اکنون گورستان مردم مکه است. در گذشته به نام «شعب ابی دب» معروف بوده و عبد مناف، عبدالمطلب، ابوطالب، خدیجه کبری علیها السلام و تعداد زیادی از صحابه، تابعین و علما در آنجا مدفون اند. برخی به غلط گمان کرده اند که شعب ابی طالب این جاست. نام این قبرستان، معلاة است، ولی در میان ایرانیان به قبرستان ابوطالب شهرت دارد.

هوای مکه در این ایام از سال، بسیار خوب است؛ تا آنجا که گاهی باید لباس گرم پوشید. پنکه و کولر اتاق ما بیشتر خاموش است. دمای هوای مکه از اردیبهشت تا مهر، ۳۲ تا ۴۰ درجه و از آبان تا فروردین، ۲۸ تا ۳۲ درجه است.

آخر شب به حرم رفتیم و فرصتی دست داد تا به نیابت حضرت امام خمینی علیه السلام، مقام معظم رهبری، شهیدان، جانبازان، همه دوستان و همه مرحومان و درگذشتگان طواف انجام دهم و نماز طواف بخوانم. برخی شهیدان چون باکری (مهدی و حمید)، حسین خرازی، تقی رضوی، مهدی عاصی تهرانی، حسین

سکونت داد، اسماعیل به شدت تشنه شد و مادر به دنبال آب میان صفا و مروه دوید و سرانجام زمزم به امر الهی جوشید. پس از مدتی آثار چاه از میان رفت تا آنکه عبدالمطلب بار دیگر آن را حفر کرد و از آن زمان تاکنون حاجیان از این آب بهره مند می شوند.

پنجشنبه: ۸۲/۱۱/۲

حجت الاسلام علوی، اعمال اول ذی حجه را برای زائرا کاروان بیان کرد؛ روزه گرفتن، خواندن دو رکعت نماز میان مغرب و عشا در این دهه، خواندن دعایی بعد از نماز صبح و پیش از مغرب منسوب به امام صادق علیه السلام و خواندن دعایی که حضرت جبرئیل برای حضرت عیسی علیه السلام هدیه آورد و بالاخره خواندن تهلیلات منسوب به امیرالمؤمنین علی علیه السلام.

جمعه ۸۲/۱۱/۳

امروز مصادف با اول ذی حجه است. ازدحام زائران به قدری است که رفت و برگشت به حرم ساعت ها طول می کشد. امروز باران رحمت الهی در شهر مکه باریدن گرفت و به قدری بارید که تمامی مسجدالحرام را آب فراگرفت.



ناجیان، همّت، صیاد شیرازی، بهشتی، رجایی، باهنر، ملاآقایی، زین‌الدین و... از جمله شهیدانی هستند که همواره در خاطرم هستند.

یکشنبه ۸۲/۱۱/۵

برنامه معمول زیارت بود.

دوشنبه ۸۲/۱۱/۶

امشب بر آن شدم تا مقداری که امکان دارد، تصویری از دیدنی‌های مسجدالحرام را بر روی گاغذ بیاورم. اگرچه به هنگام اقامه نماز جماعت در طبقات دوم و سوم جایی برای نشستن نیست. اما اکنون که دو ساعت و نیم از بامداد گذشته، این دو طبقه خالی از زائران است. معدودی از زائران در حال طواف در طبقه دوم هستند. همچنین عده‌ای با ویلچر آمده و در طبقه دوم در حال طواف‌اند. عده‌ای خوابیده‌اند. به نظر برخی از اهل سنت خواب کوتاه، آن هم در صورتی که به پهلو بخوابند مبطل وضو نیست! اما گروه زیادی به گونه‌ای خوابیده‌اند که گویی سال‌هاست در خوابند. حاجیان کشورهای مختلف در طبقه همکف چون پروانه پیرامون کعبه می‌چرخند. اکنون که سه ساعت از بامداد گذشته،

حجر اسماعیل خالی است و هیچ‌کس در آن نیست. شرطه‌ها (مأموران پلیس) حجر را بسته‌اند تا در آن نظافت آن انجام شود. حجر اسماعیل میان رکن شامی و عراقی و با دیواره‌ای به صورت نیم‌دایره، به ارتفاع ۱/۳۰ و عرض ۵۰ سانتیمتر قرار دارد. می‌گویند هاجر و اسماعیل و حدود ۷۰ پیامبر در آن جا دفن شده‌اند. گروهی از مأموران نظافت که تعدادشان ۲۰ نفر است و بیشتر اهل افغانستان، مصر، یمن و بنگلادش‌اند، لباس و شلوار آبی به تن دارند و مسؤولیت نظافت حرم به‌عهده این‌ها است.

طبقه اول حرم مملو از زائران ایرانی است که از ساعت ۱۰ - ۱۱ شب به حرم می‌آیند و یک یا دو ساعت پس از بامداد حرم را ترک می‌کنند و از این ساعت به بعد زائران کشورهای دیگر می‌آیند. ایرانی‌ها بیشتر در روبه‌روی حجر اسماعیل و رکن یمانی و مقام ابراهیم مستقر می‌شوند و به دعا، نماز و تلاوت قرآن می‌پردازند.

چهار زاویه کعبه را «ارکان کعبه» می‌گویند و هر یک نامی خاص دارد. رکن شمالی را «عراقی»، رکن غربی را «شامی»، رکن جنوبی را «یمانی» و رکن شرقی را رکن «اسود» می‌نامند. چون حجراًسود در این

رکن است.

زائری از ترکیه نماز را از روی کتاب می‌خواند و حتی برای قرائت ذکر رکوع و سجده از کتاب استفاده می‌کند. عجیب‌تر آن‌که این زائر در نمازش دوبار به رکوع رفت؟!

امام صادق (ع) دربارهٔ رکن یمانی می‌فرمایند: «رکن یمانی دری از درهای بهشت است، از هنگامی که خداوند آن را گشوده، هرگز بسته نشده است.»

ساعت سه و نیم بامداد است و روبه‌روی مقام ابراهیم نشسته‌ام. حضرت حجت‌الاسلام محسن قرائتی در حال خروج از حرم است و زائران بسیاری به وی ابراز علاقه می‌کنند. هرکدام از او مطالبی می‌پرسند. دکتر بختیاری، پزشک کاروان نیز از او پرسیده است: بهترین اعمال در مسجدالحرام چیست؟ و ایشان پاسخ دادند: «طواف، نماز و بیرون کردن کینهٔ کسانی که از آن‌ها کینه‌ای به دل داریم.»

مشاهدهٔ حجاج پابرهنهٔ کشورهای آفریقایی و آسیایی بسیار آزار دهنده است. آیا برای حج استطاعت مالی کافی است و نیازی به استطاعت فکری و بلوغ فکر نیست؟^{۱۶} چرا کشورهای مسلمان با بیش از ۵۰ کشور و بیش از ۱/۵ میلیارد جمعیت دنیا و داشتن منابع سرشار طبیعی و خدادادی باید این همه گرسنه باشند؟!

پایین بودن سطح سواد ایرانیان موجب شده است که کمتر قرآن بخوانند و به‌جای نماز و طواف، بیشتر با همدیگر مشغول صحبت می‌شوند. وصف صحنه‌های

تنها برتری حجاج دیگر کشورها نسبت به جمهوری اسلامی، شاید جوان بودن زائران آن‌ها است. همانگونه که پیشتر اشاره شد، متأسفانه زائران ایرانی بیشتر سالخورده‌اند و جمعیت جوان در میان حجاج ایرانی بسیار کم است. در کنار من





در کاروان ما مردی است سالخورده اما سرا پا نشاط به نام حاج احمد مداح، که ۲۶ بار به سفر حج مشرف شده است. ۹ بار تمتع و بقیه را عمره. نخستین بار سال ۱۳۴۵ به حج آمده، با سه هزار و پانصد تومان هزینه و به مدت چهل و پنج روز اقامت در سرزمین وحی. از وی پرسیدم از خدا چه خواسته‌ای که ۲۶ بار به حج مشرف شده‌ای؟ گفت: در دعای ماه مبارک رمضان، همواره توفیق آمدن به این سفر را از خدا خواسته‌ام و همچنین میان مقام و کعبه این خواسته را همیشه با خدا در میان گذاشته‌ام.

امروز صبح، با همراهان برای جمع آوری سنگ‌ریزه به اطراف محل سکونت‌مان رفتیم. قرار است فردا عازم عرفات شویم. عرفات، صحرائی است در شرق مکه در فاصله بیست و یک کیلومتری، بر سر راه طائف. گفته‌اند در آن جا آدم و حوا با هم آشنا شدند. در شمال این این سرزمین کوهی است که آن را «جبل‌الرحمه» یا «جبل عرفات» می‌نامند. صحرائی عرفات در این سال‌ها درختکاری شده و هر حاجی باید از ظهر روز نهم ذی‌حجه تا غروب شرعی آن روز، در این صحرا به قصد قربت وقوف کند.

مسجدالحرام بسیار کار دشواری است. جمعی به طواف و جمع زیادی به تماشای کعبه نشسته‌اند. عده‌ای به نماز، گروهی در سعی صفا و مروه، عده‌ای در صف استلام حجرالأسود، عده‌ای مشغول تلاوت قرآن، سالخورده‌گان و جانبازانی بر روی ویلچر، در طبقه دوم مشغول طواف‌اند.

چرا رکن یمانی مرکز تجمع ایرانیان است؟ چرا صدای ناله‌ها در رکن یمانی بلندتر است؟ شاید برای این است که شیعه، شناسنامه و هویت خود را در آن جا می‌یابد و از آن جا، قرن‌ها تاریخ را می‌کاود و به یاد علی علیه السلام، فاطمه بنت اسد و ولادت آن حضرت در ۱۳ رجب در خانه کعبه می‌افتد. همه در حال قیام و قعود در مسجدالحرام و در گرد خانه کعبه هستند. همه فریاد توحید و برائت از مشرکان را سر می‌دهند. همه آمده‌اند تا در کنگره بزرگ حج، وحدانیت خدا را سردهند. فرق نمی‌کند که ایرانی باشد یا یمنی و سودانی و اندونزیایی و مالزیایی و ترکیه‌ای و افغانستانی و چینی و هندی و پاکستانی و... همه با نژادها، ملیت‌ها، زبان‌ها و رنگ‌های مختلف یک چیز را می‌گویند: «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ».

جمعه ۱۰/۱۱/۸۲: کوچ به عرفات

امروز مصادف با نهم ذی‌حجه ۱۴۲۴ هجری قمری است. اکنون ساعت ۱۱/۳۰ دقیقه صبح به وقت مکه است. تا چند ساعت دیگر باید عازم عرفات شویم...

حدود ساعت ۱۵/۳۰ سوار بر ماشین‌ها شدیم و محل اسکان را که در خیابان ابن قیم شمالی بود، به مقصد عرفات ترک کردیم. ساعت ۱۶/۳۰ دقیقه به عرفات رسیدیم. در بدو ورودمان، برخی به کوه جبل‌الرحمه، که چادر ما در جوار آن بود، رفتند و برخی به استراحت پرداختند. روایت است که پیامبر ﷺ خطبه حَجَّة‌الوداع را بر فراز این کوه ایراد کرد. آسمان نیمه ابری است و گرمای آن قابل تحمل است. مسیر نسبت به سال‌های گذشته بسیار خلوت بود. مسیری که سال‌های گذشته ۴ تا ۵ ساعت طول می‌کشید را در نیم ساعت آمدم. هنوز بسیاری از چادرها خالی است و حجاج نیامده‌اند.

واقعاً درک شب عرفات چه دل‌انگیز است. نماز مغرب و عشا را در چادر اقامه کردیم، سپس دعای سمات و دعای شب عرفه را خواندیم. بعد از صرف شام که مقداری خوراک لوییا و مرغ بود، برخی به استراحت پرداختند و برخی مناجات و راز

و نیاز کردند.

من نیز سجاده و کتاب دعا را برداشته، خود را در دل جمعیت، برای پیدا کردن جای مناسب، برای راز و نیاز گم کردم. هر کاران که به عرفات می‌رسید، برنامه‌ای داشت و گویی پس از مدت‌ها می‌خواستند بغض فروخته خود را بیرون بریزند که توسل و گریستن بر امام حسین علیه السلام اوج بغض شیعه است. هرکسی به صورت فردی و یا در گروه‌های دسته‌جمعی در حال مناجات، راز و نیاز و زمزمه با خدای خود بود. همه زائران با لباس سفید و یکپارچه. منظره دل‌انگیز شب عرفه بسیار زیباست. در دل شب «مسجد نمره»^{۱۷} و «جبل‌الرحمه» چون نگین در عرفات خودنمایی می‌کند و خیل عظیم جمعیت در جبل‌الرحمه برای لحظه‌ای کاهش نمی‌یابد. هوا بسیار خوب است. بسیاری از پتو استفاده می‌کنند. فتوای مقام معظم رهبری در بحث حج، واقعاً راهگشا است و به نظر می‌رسد که در آینده منشأ تحوُّلی عظیم باشد.

به دلیل بارندگی چند روز اخیر، زمین نم دارد و نمی‌شود روی آن خوابید. برادر همسرم چند حصیر به‌عنوان زیرانداز برای خود و همراهان تهیه کرد. اگرچه مشکل نم زمین تا حدی حل شدنی بود، اما پستی و



بلندی آن به قدری بود که خوابیدن را مشکل می‌کرد.

شنبه ۸۲/۱۱/۱۱

صبح، نزدیک ساعت چهار و نیم بامداد که برای نماز بیدار شدم، دو نفر در چادر ما مشغول نماز شب بودند و بعد که اذان صبح گفته شد، نماز را به جماعت خواندیم. پس از صرف صبحانه برای شرکت در مراسم برائت از مشرکین بعثه رهبری رفتیم. آقای ری شهری پس از قرائت پیام رهبری، به ایراد سخنرانی پرداخت و آقای مرتضایی فر نیز شعارهایی بر ضد آمریکا و اسرائیل و... سرداد. نکته مهم در پیام رهبری آن بود که ایشان خواستار برخورداری سازمان کنفرانس اسلامی از حق و تو در شورای امنیت شده بودند. بعد از ظهر نیز دعای عرفه را خواندیم و هرکس تلاش داشت از فضای معنوی آن بهره گیرد؛ به خصوص آن که در روز عرفه امام زمان (عج) با حاجیان در صحرای عرفات هم صدا می‌شود و رحمت واسعة الی همه را دربرمی‌گیرد.

پس از خواندن نماز مغرب و عشاء، آماده حرکت به مشعر شدیم. نکته جالب آن که اهل سنت تنها جایی که نماز مغرب و

عشا را با هم می‌خوانند، همین روز و در عرفات است.

کوچ عظیم دیگری از «عرفات» به «مشعر»^{۱۸} آغاز شد. چند نفر از اعضای کاروان ما پیاده عازم مشعر شدند و به خیل کوچ‌کنندگان پیوستند. طریق مشاء، مسیری است برای کسانی که پیاده عازم مشعر هستند و مشتاقان خاص خود را دارد.

سردار کاظمی، فرمانده نیروی هوایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و دکتر عباس عصارى معاون سازمان تأمین اجتماعی، دو تن از اعضای کاروان ما بودند که مسیر عرفات تا منا را پیاده طی کردند و با چه شور و شغفی از آن فضای روحانی و معنوی سخن می‌گفتند. این دو برادر که با همسران خود به حج مشرف شده بودند تلاش وافرى در بهره‌گیری از اوقات خود در حج داشتند و این امر کاملاً محسوس بود.

اتوبوس ما در صف طولانی اتوبوس‌هایی که به مشعر می‌رفتند قرار گرفت، ولی به علت ازدحام شدید، پس از چند ساعت نشستن در اتوبوس، به پیشنهاد آقای بایگان، مدیر کاروان، بقیه راه را پیاده رفتیم. کاروان حجاج شهر زلزله‌زده بم با نوار مشکی که بر لباس احرام خود بسته بودند، شناخته می‌شدند و این موجب

رمی جمرات همین کشته شدن برخی از حجاج است. آیا نمی شود تدبیری اتخاذ کرد که کسی کشته نشود؟

وقتی از رمی برگشتیم متوجه شدیم که یک اتوبوس های خانم ها، به همراه یکی از روحانیون کاروان نیامده و در راه مانده است! کیف و برخی وسایل؛ از جمله کالابریک های قربانی نیز در آن ماشین جا مانده است. بالأخره با تلاش فراوان، نزدیک غروب، قربانی ۶۰ نفر از اعضای کاروان ذبح شد و آنان با انجام حلق و یا تقصیر از احرام خارج شدند. برخی نیز تلاش فراوان کردند که به رغم عدم قربانی، از احرام خارج شوند که آقای علوی، روحانی کاروان با پرسش از بعثه، به آن ها اجازه داد. معدودی از زائران از جمله خودم در احرام ماندیم.

به هر حال، ضعف در برنامه ریزی مسؤولان، عدم همکاری حجاج سایر کشورها و بالاخره کم تجربگی برخی مدیران و در نهایت، ضعف رانندگی رانندگان مصری و سودانی که بیشتر اتوبوس ها را آن ها هدایت می کنند و... را باید از جمله مشکلات مهم در جابه جایی حجاج دانست.

حضور برخی چهره های جوان در حج

می شد که ایرانیان وقتی آن ها را می دیدند، برای آموزش جان باختگانشان فاتحه بخوانند.

یکشنبه ۸۲/۱۱/۱۲: روز عید قربان

صبح زود، پس از طلوع آفتاب وارد سرزمین منا^{۱۹} شدیم. برای رمی جمره^{۲۰} عقبه عازم جمرات شدیم. ازدحام جمعیت به حدی بود که حجاج ضعیف تر زیر دست و پا می ماندند و کمک کردن به آن ها بسیار مشکل بود. توجه به اجرای اعمال و مناسک در میان حاجی ها به حدی است که هرکس در هر شرایطی کار خود را انجام می دهد. در نزدیکی ما مرد سیاه پوستی حوله های احرام خود را کاملاً از دست داده و برهنه در حال رمی بود! چندبار که به همراه برادرم می خواستیم برای رمی به جلوتر برویم، به علت ازدحام و فشار جمعیت نتوانستیم. پس از توشل به حضرت زهرا^{علیها السلام} در جایی که قرار داشتم سنگ ها را زدم و سنگ هایی را به نیابت یکی از اعضای کاروان که بیمار بود انداختم. تلفات در رمی جمرات امسال بسیار بود که رسانه ها تعداد آن ها را ۲۷۰ نفر اعلام کردند. صدای آمبولانس ها لحظه ای قطع نمی شد. یکی از مسائل بحث انگیز درباره



ایجاد شد؛ چرا که گفته می‌شود در آن جا هم نفس با امام زمان (عج) هستیم.

علاوه بر این جوانان، حضور برخی چهره‌ها در کاروان نمود بیشتری داشت؛ مانند دکتر سید هاشم سید مهدی، پزشک جراح ۶۰ ساله. این سفر، پنجمین سفر حج او است. خانواده وی؛ از جمله خودش، پدر، برادر، پسر و دامادش، همگی از مدرّسان و مربیان قرآن‌اند. او بخش اعظم خطبه‌های نهج البلاغه و همچنین اشعار حافظ، سعدی، مولوی و فردوسی را از حفظ دارد و با قرآن محشور است.

در هر سال، ۱۲ مرتبه قرآن را ختم می‌کند و تلاوت یک جزء قرآن در هر روز از برنامه‌های اوست. او ذکر خدا را آرامش‌بخش می‌داند. پزشکی است خوش اخلاق و مبادی آداب.

دکتر سیدجواد میر، مشاور وزیر و مدیر کل بین‌الملل و سازمان‌های تخصصی وزارت جهاد کشاورزی، که از بستگان می‌باشد، نیز از زائران کاروان است. او دارای تحصیلات دکترای اقتصاد است و تجربه زیادی در آشنایی با جهان دارد. به دلیل تحصیلات خارج از کشور و نیز مسؤولیت‌هایی که داشته، به بیش از ۱۰۰

قابل تأمل است؛ چرا که بیشتر حجاج ایران میانسال و پیر هستند. در کاروان ما چند چهره جوان حضور دارند که با هر کدام صحبت‌هایی شد؛ از جمله جوانی که با همسرش ماه غسل خود را به حج آمده بودند و چه رسم زیبایی!

آقای مشکفروش سی سال سن دارد و فارغ‌التحصیل رشته مکانیک است و در بخش صنعت مشغول به کار است. او به وهابیان و برخی ضعف‌ها در تدبیر امور حج معترض بود. جوان دیگری از کاروان، به نام حسین عراقچی که ۱۶ سال بیشتر نداشت و سال اول دبیرستان بود، پس از انجام دو عمره، این سفر سوم او به سرزمین وحی بود و از این که توفیق سفر پیدا کرده، بسیار خوشحال بود. او هم مانند دیگر حجاج حلق کرد و به خیل سرتراشیده‌ها پیوست.

یکی دیگر از جوانان کاروان به نام مجید انصاری، مؤذن کاروان در عرفات و منا بود و دعای عرفه را به زیبایی می‌خواند. او دانشجوی سال سوم داروسازی بود و بیست و یک سال داشت. از وی پرسیدم وقتی که حلق کردی چه احساسی داشتی؟ گفت: «تجربه جدید را حس کردم و نقطه اوج حج را در نیمه شب عرفات می‌دانم. بزرگ‌ترین تحوّل در من، در این زمان

سه‌شنبه ۸۲/۱۱/۱۴

بعد از رمی جمرات، قربانی و حلق، در دومین روز بیتوته در منا، ساعت اندکی از بامداد گذشته، به همراه مدیر کاروان و حدود ۴۰ نفر از اعضای کاروان، مسیر منا تا عزیزیه را پیاده و از آنجا تا مسجدالحرام را با اتوبوس طی کردیم تا آخرین اعمال حج را انجام دهیم؛ طواف، نماز طواف، سعی صفا و مروه، طواف نساء و نماز طواف نساء، آخرین مراحل و برنامه‌های حج تمتع است. حوالی ساعت ۲ بامداد به مسجدالحرام رسیدیم و تنها دغدغه‌ام رسیدن به موقع بود که بتوانیم پس از انجام اعمال طواف و نماز طواف به منا برگردیم و رمی جمرات سه‌گانه را انجام دهیم. ساعت ۲/۳۰ بود که اعمال را آغاز کردم. در کمال ناباوری، اعمالم تا ساعت ۴ بامداد طول کشید. وقتی مؤذن مسجدالحرام اذان نماز شب را گفت، اعمال من تمام شده بود. هر شوط از سعی صفا و مروه را در ۵ یا ۶ دقیقه طی می‌کردم. دلیل اصلی رسیدگی سریع به این اعمال، شاید خلوت بودن مسجدالحرام بود.

فریاد صلوات شیعیان لبنانی در طواف و سعی، فضای عرفانی و روحانی ویژه‌ای را به مسجدالحرام بخشید.

کشور جهان سفر کرده است و گنجینه‌ای از آموختنی‌های جهان را در سینه دارد. او لحظه ورود به عرفات و خروج از منا را اوج سازندگی معنوی می‌داند و می‌گوید: در سفر حج احساس می‌کنیم که حائلی میان بنده و خدا نیست و این بالاترین رضایتمندی است که در این سفر به انسان دست می‌دهد.

حاج محمد (برادر بزرگترم) و همسرش، حاج محمود حسینی (دایی همسر) با همسرش و دکتر سید جواد میر که ذکر اوصافش رفت، با همسرش در این سفر همراه بودند.

دکتر یاوریانفر چشم‌پزشک، با مادرش به حج آمده است. رفتار بسیار محترمانه و مؤدبانه او با مادرش، می‌تواند الگویی برای جوانان امروز جامعه ما باشد. وقتی با او صحبت می‌کردم می‌گفت: از زمان فوت پدرش تلاش کرده است که مادرش احساس تنهایی نکند.

مهندس سیدمصطفی خردمند، قائم‌مقام مدیر عامل شرکت قطار مسافربری رجا، از همسفران باصفا است. هرگاه او را می‌دیدم، یاد فضای جبهه و جهاد می‌افتادم، به خصوص که او همواره چفیه‌ای بر گردن می‌انداخت.



عازم جبل النور^{۲۲} برای رفتن به غار حرا شدیم. مسافت از پای کوه تا غار ۵۰ دقیقه طول کشید. از پایین کوه تا بالای آن دستفروشان و گداها بساط پهن کرده‌اند. عکاس‌ها هم با عکس فوری کاسبی خوبی بهم زده‌اند. با ۱۰ ریال سعودی یک قطعه عکس رنگی فوری می‌گرفتند. فضای غار بسیار محدود است و تنها یک نفر می‌تواند درون آن به نماز بایستد و صف طولانی منتظران مانع از رفتن به داخل غار می‌شود. در فراز و فرود کوه، در این فکر بودم که حضرت خدیجه علیها السلام این مسیر طولانی را چگونه ۴۰ شبانه‌روز طی می‌کرده و برای پیامبر صلی الله علیه و آله آب و غذا می‌برده است.

شنبه ۸۲/۱۱/۱۸

پس از نماز صبح، برای عمره مفرده عازم مسجد تنعیم شدیم. حدود ۵۰ نفر از اعضای کاروان آمده بودند. از این‌که خداوند توفیق داد بار دیگر محرم شوم و اعمال حج به‌جا آورم خدای بزرگ را شکر کردم. در مسجد تنعیم محرم شدم و اعمال از حدود ساعت ۸/۳۰ آغاز شد. صفوف طواف‌کنندگان و سعی‌کنندگان به‌کندی حرکت می‌کرد. هنگامی که نماز طواف نساء را خواندم، ساعت ۱۱/۱۵ را نشان می‌داد.

هنگام برگشت به منا، مدیر کاروان یک دستگاه اجاره کرد و برای هر نفر ۱۵ ریال کرایه داد. نزدیک جمرات پیاده شدیم و پس از طی مسافت کوتاهی (صد پلکان) به جمرات سه‌گانه رسیدیم. آخرین اعمال نماز ظهر و عصر را در سرزمین منا خواندیم و من چند رکعت نماز به نیابت از همسر و فرزندان و پدر و مادرم خواندم. شاید این نمازها بهترین نوع به‌یاد بودن خانواده و بالاترین هدیه معنوی برای آن‌ها باشد. از منا به سوی مکه و هتل ابن قیم شمالی را پیاده طی کردیم که حدود ۲۰ دقیقه طول کشید. شب موفق به ختم قرآن شدم، سجده شکر به خاطر این توفیق به‌جا آوردم. دقایقی از بامداد گذشته بود که راهی مسجدالحرام شدم. به علت شلوغی بیش از حد، ۴۵ دقیقه طول کشید تا به حرم رسیدیم. در کنار رکن یمانی دعای مشلول را خواندم. گروهی به تنعیم^{۲۱} رفته و محرم شده‌اند تا حج مستحبی به‌جا آورند. جمعی نیز به طواف وداع مشغول‌اند؛ چراکه فردا باید به ایران برگردند یا به مدینه بروند.

جمعه ۸۲/۱۱/۱۷

پس از نماز صبح، به همراه اخوی و چند تن از دوستان دو وسیله کرایه کردیم و

حجاج صحبت کنم. ابتدا با دکتر سید هاشم سیدمهدی، پزشک جراح، ۶۰ ساله که وصفش گذشت. او می‌گوید طبق یک سنت خانوادگی، مرتب جلسات قرآنی در خانه‌شان برگزار می‌شود و خود او بنیان‌گذار هیأت پیروان قرآن است. دکتر سید مهدی که به همراه همسر و چهار فرزند خود به حج آمده است، در پاسخ به این پرسش که اوج حج را در چه می‌داند؟ گفت: اوج حج را در وحدت می‌دانم.

دکتر سید جواد میر، دیگر هم‌صحبتی‌ام در جده بود. دکتر میر مجموعه سفر حج را با توجه به کاستی‌هایی که در مدیریت و مسائل اجرایی آن وجود دارد، بسیار سازنده می‌داند و می‌گوید: وقتی اعمال تمام شد، در روح احساس سبکی کردم.

ساعت حدود ۱۸ بود که به جده رسیدیم، در میان راه، مؤسسه‌ای خیریه، به حجاج آب زمزم، پوستر مکه و مدینه، یک عدد نوار قرآن و یک بسته خوراکی هدیه داد.

این تبلیغات در بدو ورود هم به‌صورت دیگری خودنمایی می‌کرد و حاکی از سرمایه‌گذاری هنگفت در امر اطلاع‌رسانی و تبلیغات است.

این عمره مفرده را به نیت پدر و مادر و همسر و فرزندانم و همه شیعیان انجام دادم. امشب ساعت ۷ باید چمدان‌ها را تحویل دهیم تا کاروان آن‌ها را به هواپیمایی جمهوری اسلامی تحویل دهد.

یکشنبه ۸۲/۱۱/۱۹

ساعت ۴۵ دقیقه بامداد است. زیارت اسماعیل و هاجر را خواندم و همچنین نماز زیارت را. حضرت حجة الاسلام جناب آقای قرائتی ده قدم جلوتر از من نشسته است و جمعی از روحانیون گرد او را گرفته‌اند. آقای قرائتی از جمله روحانیون پرنفوذ ایران است. شاید این رمز موفقیتش در گرو اخلاص، سادگی و بذله‌گویی و مردمی بودن و کم بودن فاصله گفتار و عملش باشد.

مسجد الحرام در حال خلوت شدن است؛ به طوری که می‌توان به راحتی وارد حجر اسماعیل شد و یا طواف انجام داد. پس از نماز صبح و صرف صبحانه عازم قبرستان ابوطالب شدیم. سپس به حرم رفتیم و آخرین خداحافظی با کعبه را انجام دادیم. پس از نماز ظهر و صرف ناهار، ساعت ۱۵/۳۰ مکه را به سمت جده ترک کردیم.

امشب فرصتی پیش آمد تا با دو تن از



هوایمایی ایران‌ایر چمدان‌ها و بارهای فراوان حاجیان را که چندین تن بود، از حجاج گرفتند و به بار هوایما منتقل کردند. هنگام خروج یک جلد کلام‌الله مجید هدیه پادشاه عربستان به همه حجاج داده شد.

از خدای بزرگ توفیق زیارت خانه کعبه و مسجدالنبی ﷺ و بقیع شریف و اجرای فریضه بزرگ حج را برای مشتاقان کوی دوست خواهانم.

آخرین نماز جماعت در این سفر معنوی را به امامت حجت‌الاسلام علوی حسینی، روحانی کاروان اقامه کردیم. یکی از خدمه‌های کاروان گذرنامه و بلیت‌ها را تحویل داد و گفت تا ساعت ۱۰ شب در زیر چادری که مستقر هستیم خواهیم بود و پس از آن به سالن انتظار، برای انجام تشریفات پرواز خواهیم رفت.

ساعت ۲۳/۳۰ برای تشریفات پرواز به سمت سالن فرودگاه رفتیم. مأموران

پی‌نوشت‌ها

۱. آل عمران: ۹۷
۲. نهج‌البلاغه، نامه ۴۷
۳. نهج‌البلاغه، خطبه ۱
۴. حلالیت خواستن از جمله کارهایی است که قبل از مشرف شدن به خانه خدا باید انجام داد. کسی که به مسلمانی ظلمی کرده باشد، باید از او عذرخواهی کند و دل او را به دست آورد و به اصطلاح حلالیت طلب کند، در غیر این صورت حج او پذیرفته نیست. از دیگر اعمال قبل از حج، تهیه مال حلال، نوشتن وصیت‌نامه، دادن صدقه، خواندن آیه‌الکرسی، دو رکعت نماز، پرداختن خمس، خواندن دعای فرج، خداحافظی با بستگان و... می‌باشد.
۵. بقیع، گورستان مدینه منوره است که در زمان رسول‌الله ﷺ بسیاری از صحابه و پس از رحلت ایشان چهارتن از امامان معصوم علیهم‌السلام و نیز تعدادی از بزرگان تابعین و سادات اهل بیت عصمت و طهارت در آن جا به خاک سپرده شده‌اند. برخی دفن‌شدگان در بقیع عبارت‌اند از: امام حسن بن علی علیه‌السلام، امام زین‌العابدین علیه‌السلام، امام محمد باقر علیه‌السلام، امام جعفر صادق علیه‌السلام، فاطمه بنت اسد (مادر حضرت علی علیه‌السلام)، فرزندان پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم (زینب، ام‌کلثوم، رقیه، ابراهیم)، همسران پیامبر (ام‌سلمه، زینب بنت جحش، ماریه قبطیه، زینب بنت خزیمه، عایشه دختر ابوبکر، حفصه، ام‌حبیبه، صفیه، سوده، ریحانه بنت زید، جویریة بنت حارث)، عقیل بن ابی طالب،

عبدالله بن جعفر، محمد بن علی معروف به ابن حنفیه، ابوسفیان بن حارث و...
 ۶. اذکار هفته عبارت از: شنبه «يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ»، یکشنبه «يَا ذَا الْجَلَالِ وَ الْاِكْرَامِ»، دوشنبه «يَا قَاضِيَ الْخَاجَاتِ»، سه‌شنبه «يَا اُزْحَمَ الرَّاحِمِينَ»، چهارشنبه «يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ»، پنج‌شنبه «لَا اِلَهَ اِلَّا اللهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ الْمُبِينُ» و روز جمعه «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ».

۷. به باور وهابی‌ها، شفیع قرار دادن پیامبر در پیشگاه خدا و توسل جستن به آن حضرت، شرک است کفر. وهابی‌ها در سال ۱۳۴۴ ه. ق. در حمله به برخی شهرهای عربستان قبور پیشوایان و ائمه را تخریب و با خاک یکسان کردند و زمانی که به مکه وارد شدند، گنبدهای متعلق به عبدالمطلب، جد پیامبر و ابو طالب عموی آن حضرت و خدیجه همسر آن بزرگوار و همچنین محل تولد پیامبر ﷺ و حضرت زهرا علیها السلام را ویران کردند. سپس به مدینه یورش برده، در هشتم شوال ۱۳۴۴ ه. ق. گنبد و بارگاه ائمه علیهم السلام را در داخل بقیع منهدم کردند و دیوارها و صندوق و ضریحی را که در روی این قبور شریف بود از میان بردند. از این قبور، به جز قطعه سنگ‌هایی که در اطراف قبور نصب شده، اثر و علامتی باقی نماند. تنها حرم پیامبر ﷺ به جهت ترس از اعتراض مسلمانان جهان، از تعرض و تخریب مصون ماند. (برای آگاهی بیشتر نک: تاریخ حرم ائمه بقیع، محمد صادق نجمی).

۸. برخی از صحابه پیامبر ﷺ که در بقیع مدفون شده‌اند، عبارت‌اند از:
 - عثمان بن مظعون؛ صحابی پیامبر ﷺ سیزدهمین کسی که به آن حضرت ایمان آورد. او دو بار به حبشه هجرت کرد. در جنگ بدر شرکت داشت و در سال دوم هجری درگذشت. عثمان بن مظعون نخستین مهاجری است که در مدینه درگذشت و در بقیع دفن شد.
 - اسعد بن زراره؛ از بیعت‌کنندگان با پیامبر در عقبه و نخستین کسی که به دستور آن حضرت نماز جمعه را در مدینه اقامه کرد.
 - خنیس بن حذافه سهمی؛ از هجرت‌کنندگان به حبشه و از نخستین اسلام‌آوردگان بود و بر اثر زخمی که در جنگ بدر داشت، سرانجام به شهادت رسید.
 - سعد بن معاذ؛ از قبیله اوس و از صحابه بزرگ پیامبر ﷺ که در جنگ بدر پرچم دار اسلام بود.
 - عبدالله بن مسعود، ابوسعید خدری، مقداد بن اسود، ارقم بن ابی ارقم و...

۹. ساختمان حرم نبوی، مدینه منوره، سلمی سمر دملوجی، ترجمه محمدرضا مروارید، تهران، نشر مشعر، چاپ ۱۳۷۷

۱۰. برای آگاهی بیشتر نک: تعمیر و توسعه مسجد شریف نبوی، نوشته ناجی محمد حسن عبدالقادر الانصاری، ترجمه عبدالحمید آیتی (تهران، مشعر، ۱۳۷۸).

۱۱. قبا دهکده‌ای بوده در دو میلی مدینه، که مقارن هجرت پیامبر ﷺ به این شهر، طایفه بنی عمرو بن عوف در آن سکونت داشتند. پیامبر ﷺ پس از ورود به مدینه، با کمک اصحاب و یارانش نخستین مسجد را، که به قبا معروف شد، در همین مکان ساختند. آیه «لَمَسْجِدَ أُتَيْسَ عَلَي التَّقْوَى...» درباره همین مسجد نازل شده است.

۱۲. این مسجد در فاصله ۳/۵ کیلومتری مسجدالنبی در شمال غربی مدینه واقع است و در ماه شعبان، سال دوم هجرت، هنگامی که پیغمبر ﷺ نماز ظهر را می‌خواندند آیه «فَلَنُؤَلِّقَنَّكَ قَبْلَةَ تَرْضَاهَا...» نازل شد و آن



- حضرت برای نماز روی خود را از بیت المقدس به طرف کعبه برگردانند. در این مسجد به یادبود این تغییر، دو محراب به سوی قبله نخستین و قبله دوم ساخته بودند که در نوسازی اخیر، آن‌ها را برداشته‌اند.
۱۳. أحد نام مجموعه‌ای از کوه‌های بزرگ و کوچک در شمال مدینه است که حدود ۶۰۰۰ متر طول دارد. در این منطقه مسلمانان با کفار جنگیدند که متأسفانه امروزه به علت گسترش شهر، دشتی که می‌توانست بسیاری از اسناد تاریخی مربوط به تاریخ مدینه و تجاوز قریشیان به مدینه را نشان دهد به مرور زمان، در لابلای ساختمان‌ها به فراموشی سپرده شده است.
۱۴. مسجد شجره در فاصله حدود یک فرسنگ و نیم از مدینه قرار داشته که اکنون با گسترش شهر، این مسافت کمتر شده است. چون درخت در کنار مسجد بوده، این مسجد به نام «شجره» معروف گردیده است. اهمیت این مسجد بیشتر در آن است که پیامبر خدا ﷺ در عمره حدیبیه، عمره القضاء و در حجة الوداع، در آن جا محرم شد. هم‌اکنون حاجیان ایرانی که پیش از اعمال عمره به مدینه می‌روند، در مسجد شجره احرام می‌بندند.
۱۵. تلبیه یا همان ذکر «لَبَّيْكَ، اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ، إِنَّ الْحَمْدَ وَالتَّيْمَةَ لَكَ وَ الْمُلْكَ، لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ». این ذکر یک بار آن واجب و بیش از آن مستحب است. برخی از مراجع و فقها گفته‌اند «إِنَّ الْحَمْدَ وَ التَّيْمَةَ لَكَ وَ الْمُلْكَ، لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ» را از باب احتیاط بخواند.
۱۶. برخی شرایط استطاعت عبارت‌اند از: سلامتی بدن، توانایی مالی، باز بودن راه، کافی بودن وقت و...
۱۷. این مسجد که در وادی نمره قرار دارد، محل توقف پیامبر ﷺ و حضرت ابراهیم در روز عرفه است. وادی نمره متصل به سرزمین عرفات و بر سر راه مشعر قرار گرفته است. مساحت این مسجد بزرگ، حدود یکصد و بیست هزار متر مربع است و گنجایش حدود صد و پنجاه هزار نمازگزار را دارد.
۱۸. مشعر، یعنی مکان شعور و درک و فهم. این سرزمین که در محدوده حرم است، دره‌ای است کم وسعت که میان عرفات و منا واقع شده و طول آن تقریباً چهار کیلومتر است. در این منطقه مسجدی است بسیار وسیع که آن را مسجد «مزدلفه» می‌خوانند. در محل همین مسجد، جبرئیل بر پیامبر ﷺ نازل شد و آیاتی را درباره مشعر برای آن حضرت تلاوت کرد. در این سرزمین حجاج علاوه بر ماندن شب عید، باید از دمیدن فجر تا طلوع آفتاب، وقوف کنند و مستحب است ریگ‌ها را از این محل گردآورند.
۱۹. منا دره‌ای است به عرض تقریباً پانصد متر و طول حدود سه کیلومتر و نیم، که حاجیان باید از طلوع خورشید روز دهم تا ظهر روز دوازدهم - جز ساعاتی که اجازه داده شده - آن‌جا را ترک نکنند و در آن مکان بمانند. آن‌جا را «مَنَى»، «مَنَى» و «مَنَى» هر سه خوانده‌اند.
۲۰. جمره‌های سه گانه، در منا و نزدیک به مکه است. نوشته‌اند در این جا آدم شیطان را که در پی وی می‌رفت با افکندن سنگریزه از خود راند و حاجیان با تاسی به آن حضرت و به عنوان یک واجب دینی، روزهای ۱۰ تا ۱۲ ذی‌حجه سنگ به طرف ستون‌های سنگی پرتاب می‌کنند.
۲۱. مسجد تنعیم در ابتدای محدوده حرم واقع شده که با توجه به توسعه شهر مکه، در حال حاضر جزو شهر مکه محسوب می‌شود. هنگامی که از مدینه یا جده وارد مکه می‌شویم، در سمت چپ خیابان و در ورودی شهر مکه، ساختمان مسجد به چشم می‌خورد. این مسجد یکی از میقات‌ها است و کسانی که در مکه باشند، جهت احرام عمره مفرده به این مسجد می‌آیند و در آن محرم می‌شوند. فاصله مسجد تنعیم تا مسجدالحرام شش کیلومتر است.

۲۲. جبل النور در شرق شهر مکه واقع است و غار حرا در بالای آن قرار گرفته و ارتفاع آن، به اندازه قامت یک انسان است. پیامبر ﷺ تمام ماه رمضان هر سال را در این غار به عبادت می‌پرداخت و در غیر ماه رمضان گاهی برای عبادت به آن جا می‌رفت و تنها یاور آن حضرت؛ یعنی همسرش خدیجه، بارها برای آن حضرت آب و غذا می‌برده است. تا این‌که جبرئیل امین در بیست و هفتم ماه رجب بر پیامبر ﷺ که در داخل غار مشغول عبادت بود نازل شد و اولین آیات قرآن را بر آن حضرت تلاوت کرد.

